

آمریکا و دولت یاغی اسرائیل

ریچارد فالک و اکبر گنجی

منتشر شده در الجزیره 20 و 21 اوت 2014

متن کامل در وبسایت ریچارد فالک 26 اوت 2014

اسرائیل یکی از دولت های یاغی Outlaw state جهان است. دولت یاغی، مطابق تعریف جان راولز در قانون مردمان، دولتی است که حقوق بشر را به نحو سیستماتیک نقض کرده و نسبت به دیگر دولت ها حالت تهاجمی و تجاوزکارانه دارد (pp. 5, 90). دولت اسرائیل دارای هر دو ویژگی بوده و بدین ترتیب، دولتی یاغی به شمار می رود. چنین شیوه رفتاری در تعارض با پایه ای ترین اصول حقوق بین الملل که در منشور سازمان ملل گنجانده شده نیز هست: استفاده از فشار بین المللی و نجات نسل های بعدی از بلای جنگ. بر این اساس، جامعه جهانی و نیز جامعه مدنی جهانی باید واکنشی در خور چنین یاغی گری بی نشان دهد.

تجاوز نظامی اسرائیل به دیگر کشورها

دولت اسرائیل در سال 1948 متولد شد. قطعنامه 181 مجمع عمومی سازمان ملل عموماً به عنوان مبنای قانونی تاسیس دولت اسرائیل شناخته می شود. باید به یاد داشت که 45 درصد فلسطین تاریخی به فلسطینیان و 54 درصد به اسرائیل واگذار شده و یک درصد به عنوان منطقه ویژه برای شهر بین المللی شده اورشلیم در نظر گرفته شد. اما دولت اسرائیل میزان زمین های در اختیار فلسطینیان را در جنگ 1948 با همسایگان عرب به 22 درصد کاهش داد.

در جنگ ۱۹۶۷ اسرائیل اقدام به اشغال این باقی مانده اراضی فلسطین که از سال ۱۹۴۸ به طور موقت توسط اردن و مصر اداره می شد کرد. از آن زمان تا کنون اسرائیل به شیوه های گوناگون غیر قانونی به فلسطین اشغالی دست درازی کرده است: اقدام به ساخت و گسترش شهرک های بزرگ و متعدد اسرائیلی، ایجاد شبکه ای از جاده های منحصر به شهرک نشینان، ساخت دیواری حایل در داخل فلسطین اشغالی که با اکثریت ۱-۱۴ توسط دیوان بین المللی دادگستری در سال ۲۰۰۴ غیرقانونی اعلام شد، در محاصره ننگه داشتن 1.8 میلیون نفر مردم غزه از اواسط سال ۲۰۰۷ که برابر با مجازات جمعی است، و تصرف و گسترش منطقه شهری اورشلیم. این "حقایق" به عنوان "واقعیات" جدید توسط آمریکا و چندین دولت اروپایی پذیرفته شده و بدین ترتیب ایجاد یک دولت فلسطینی را تقریباً غیر ممکن ساخته است. روند کنونی در اسرائیل انکار حقوق اساسی فلسطینی ها و بیش از همه حق تعیین سرنوشت و تایید یکجانبه توسعه طلبی اسرائیل را دایمی ساخته است، امری که با گسترش اراضی یکجانبه اسرائیل همراه بوده است. علاوه بر این، اسرائیل در شش سال گذشته سه بار (۲۰۰۸-۹، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴) به غزه حمله کرده است،

به شیوه ای که مطابق قانون بین الملل و منشور سازمان ملل تجاوز قلمداد شده و موارد متعدد نقض قانون جنگ را در بر داشته است. این انکار حقوق فلسطینیان و انحراف از قواعد حقوق بین المللی و هنجارهای عدالت جهانی را نباید جدا از مدل گسترده تری از رفتار غیر قابل قبول اسرائیل تفسیر کرد. تجاوزات متعدد اسرائیل علیه دیگر کشورهای مستقل نیز با موارد فوق ارتباط زیادی دارد:

یکم- حمله نظامی به عراق در ژوئن 1981 که راکتور هسته ای تحت ساخت اسیراک را نابود کرد. این حمله با هدف ظاهری جلوگیری از توسعه برنامه سلاح های هسته ای عراق، ولی در راستای حفظ انحصار منطقه ای سلاح های هسته ای اسرائیل صورت گرفت.

دوم- تجاوز نظامی به لبنان در سال های ۱۹۷۸ و 1982 که با اشغال جنوب لبنان تا سال ۲۰۰۰ همراه بود. در سپتامبر ۱۹۸۲ اسرائیل به دست داشتن در قتل عام **صبرا و شتیلا** متهم شد که در آن بین ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ فلسطینی غیر نظامی با بی رحمی توسط واحدهای شبه نظامی فالانژ مارونی به قتل رسیدند. مطابق **گزارش کمیته تحقیق کاهان** دولت اسرائیل، اریل شارون- وزیر دفاع وقت اسرائیل به عنوان فرمانده نظامی حاضر در صحنه، ورود فالانژی ها به کمپ ها را تسهیل کرده، به تماشای قتل عام نشسته و " مسئولیت شخصی" به گردن دارد.

سوم- حمله نظامی به دفاتر مرکزی پی.ال.او در حمان تونس در سال ۱۹۸۵ که ۶۰ کشته بر جا گذاشته و **محکومیت شورای امنیت سازمان ملل را نیز در پی داشت.**

چهارم- تجاوز نظامی به جنوب لبنان در سال 2006 که به جنگ 33 روزه علیه حزب الله و نابودی بخش هایی از منطقه مسکونی جنوب بیروت انجامید و با شکل گیری دکتترین داهیه همراه بود که اتکای اسرائیل بر استفاده نامناسب از قدرت نظامی را توجیه کرد.

پنجم- حمله به سوریه در دوم اکتبر 2007 که راکتور هسته ای پی واقع در دیر زر را نابود کرد.

ششم- حمله به کشتی مسافربری ترکی ماوی مرمره در مه ۲۰۰۷ که بخشی از کاروان آزادی (Freedom Flotilla) بوده و حامل کمکهای بشردوستانه به مردم تحت محاصره غزه بود. این حمله جان ۹ فعال صلح طلب ترک را گرفت.

هفتم- حداقل سه تجاوز نظامی دیگر به سوریه در سال های 2013 و 2014 که با بمباران هدف هایی جهت توقف ارسال سلاح از طریق سوریه به حزب الله لبنان، هدف های مرتبط با محل واحدهای آتش سوری که در پی کمک به نیروهای شورشی ضد اسد بودند و نیز در تلافی مرگ یک اسرائیلی عرب در بلندی های جولان همراه بود.

هشتم- تجاوزهای پی در پی نظامی به سودان در سال های 2009، 2011، و 2012 که ظاهرا با هدف ارسال سلاح به حماس در غزه صورت گرفته و کشته های بسیاری بر جا گذاشت.

به علاوه، اسرائیل بلندی های جولان سوریه را از 1967 تاکنون اشغال کرده، شهرک های غیر قانونی ساخته، و در آن حضور دائمی داشته است. بر خلاف قطعنامه ۲۴۲ قریب به آرای شورای امنیت، اسرائیل از عقب نشینی از کرانه باختری و نیز شرق بیت المقدس خودداری کرده است.

علاوه بر تجاوزات فوق به حاکمیت کشورهای عرب، اسرائیل به شیوه ای مخفیانه و غیر قانونی حدود **۳۰۰ کلاhek هسته ای** به دست آورده که آن را به تنها کشور خاورمیانه با زرادخانه ای هسته ای و تنها کشور جهان که منکر داشتن سلاح های هسته ای است تبدیل ساخته است؛ این امر به خودی خود، واقعیتی بی ثبات کننده است.

نقض سیستماتیک حقوق بشر و بر ساختن رژیم آپارتاید

دولت اسرائیل همواره مدعی آن بوده که تنها دولت دموکراتیک خاورمیانه است. اما همان گونه که جیمی کارتر، رییس جمهور پیشین آمریکا در کتاب خود **فلسطین: صلح نه آپارتاید** ذکر کرده است اشغالگری اسرائیل در کرانه باختری در بر دارنده ویژگی های سیستماتیک یک رژیم آپارتاید است. همچنین، اقلیت فلسطینی ساکن اسرائیل تحت ۵۰ قانون تبعیض آمیز هستند که حقوق فردی و جمعی آنان را بشدت محدود ساخته است.

به خاطر داشته باشید که رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی هم رژیمی "دموکراتیک" بود، اما تنها برای اقلیت سفید پوست. اکثریت سیاه پوست، تحت قوانین متفاوتی بود: رژیم آپارتاید بی رحم و استثمارگری که ذیل آن حقوق بشر اکثریت به گونه ای سیستماتیک نقض می شد. فلسطینی های ساکن در کرانه باختری از سال ۱۹۶۷ بدون حمایت قانون و محروم از حقوق خود بوده و تحت اداره نظامی و اعمال سرکوبگرانه تشکیلات خودگردان فلسطین هستند؛ در حالی که شهرک نشینان غیر قانونی تحت حمایت قانونی کامل اسرائیل قرار دارند.

همانگونه که گیدئون لوی، روزنامه نگار اسرائیلی پیشرو، **می گوید**: اسرائیل "در واقع تنها یک دموکراسی برای آن دسته از شهروندان یهودیش است که هر بار تانک های اسرائیلی از مرز عبور می کنند به سرعت با جریان اصلی همسو می شوند،" برای اینکه که حتی شهروندان اسرائیلی بی که مخالف تجاوز کشورشان هستند هم مورد تهدید و حمله قرار می گیرند. شمار زیادی از اسرائیلی ها را مهاجران تشکیل می دهند، به ویژه از اتحاد جماهیر شوروی سابق و نیز از اروپای شرقی. اما میلیون ها فلسطینی تحت رژیم آپارتایدی زندگی می کنند که حق رأی در انتخابات اسرائیل را ندارند، پاسپورت ندارند، در بسیاری از بخشهای اسرائیل حق داشتن ملک ندارند و از حق تحرک اجتماعی که حقی انسانی ست محرومند. آنان همچنین محروم از حق تعیین سرنوشت و هر گونه چشم انداز داشتن حاکمیتی مستقل از آن خود هستند، و نیز محروم از ملحق شدن به اسرائیلی ها تحت دولتی دو ملیتی که در آن دولت در کنار هم زندگی کنند؛ زندگی بی بر اساس وحدتی متعادل، برابری و با حوزه های اداری و حکومتی مستقل که در چارچوب یک دولت واحد مستقل سازماندهی شده است.

جنایات جنگی اسرائیل علیه فلسطینیان

قطعه نامه 465 شورای امنیت سازمان ملل نه تنها دوبار از "اراضی فلسطینی و یا عرب اشغال شده از سال 1967" سخن گفته است، بلکه شهرک سازی دولت اسرائیل در سرزمین های اشغالی- از جمله بیت المقدس- را "نقض معاهده چهارم ژنو" به شمار آورده است. **نقض این کنوانسیون**، به عنوان مثال خودداری آشکار با از میان بردن شهرک ها یا از میان بردن دیوار حائل، که دستور دادگاه بین المللی دادگستری بود، بر خلاف ماده (۶) ۴۹ بوده و جنایت جنگی بی بزرگ و جدی به شمار می رود.

دولت اسرائیل در سال ۲۰۰۵ نیروهای نظامی و شهرک نشینان را از نوار غزه خارج کرد، اما در واقع کنترل موثر غزه را حفظ کرد. بدین ترتیب اسرائیل به عنوان یک قدرت اشغالگر، تحت قانون بین الملل ملزم به اجرای تعهدات خود است. در واقع اسرائیل شرایط زندگی در غزه را از اداره کامل نظامی به زندان ابد مردم در بزرگترین زندان بدون سقف بر روی زمین تبدیل کرد. اسرائیل کنترل کامل ورود و خروج هوایی و آبی غزه را حفظ کرده و با تهاجمات خشونت آمیز کشته دوره ای خود، زندگی مردم گرفتار شده در غزه را مختل کرده است. بیشتر فلسطینیان ساکن غزه عملاً از سال ۱۹۶۷ و به طور نا مشروط از سال 2007 در آنجا گیر افتاده اند. همچنین، اسرائیل به صورت دوره ای عملیات گسترده نظامی علیه غزه به راه انداخته، آنجا را به طور غیر قانونی محاصره کرده، مرتکب خشونت های متعدد فرامرزی و نیز جنایات جنگی بسیار طی سالیان دراز شده است:

یکم- حمله اسرائیل در سال های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ به غزه: ۱۴۱۷ کشته، ۵۳۰۳ مجروح، ۵۱۰۰۰ آواره، ۴۰۰۰ خانه ویران و دو میلیارد دلار خسارت اقتصادی در پی داشت. اسرائیل همچنین از ارسال مصالح مورد نیاز جهت بازسازی غزه جلوگیری کرد.

دوم- حمله سال ۲۰۱۲ به غزه: ۱۰۵ کشته، ۹۷۱ مجروح بر جا گذاشت. هدف اسرائیل از این حمله سوء قصد به جان رهبر نظامی حماس، احمد جابری، بود در حالی که احمد جابری در حال تحویل قرارداد امضا شده آتش بس بود.

سوم- طی تجاوز سال 2014 اسرائیل به غزه که 8 جولای آغاز شد تاکنون بیش از 2140 نفر کشته و نزدیک به 11 هزار نفر زخمی شده اند که حدود 80 درصد تلفات انسانی را غیر نظامیان تشکیل می دهند، 660 هزار نفر آواره و محروم از حق ترک منطقه جنگی هستند. بر اساس تخمین ها 590 کودک فلسطینی کشته و بیش از 3300 کودک دیگر مجروح شده اند. در مقابل، اسرائیل 68 کشته داده که از این تعداد ۶۵ نفر سرباز بوده اند. اختلاف تلفات و نسبت مرگ و میر نظامی و غیر نظامی هر دو طرف شاخص های بسیار مهمی از مسئولیت اخلاقی نسبی این خون ریزی است.

اسرائیل اقدام به 59 هزار حمله علیه غزه و ریختن حدود 15 هزار تن موارد منفجره بر سر مردم غزه کرده، که حدود ۳۰ درصد قدرت انفجار بمب های اتمی ای است که بر سر هیروشیما فرو ریخت.

آمریکای خادم اسرائیل

دولت آمریکا حامی بی قید و شرط اسرائیل از بدو شکل گیری آن بوده است. مطابق قراردادی که میان دولت اسرائیل و دولت آمریکا **امضا گردیده** و به **قانون** تبدیل شده است، دولت آمریکا موظف به حفظ

برتری استراتژیک و نظامی اسرائیل بر کل منطقه است. طی دوره 2014-1949، دولت آمریکا 121 میلیارد و 191 میلیون دلار به اسرائیل کمک مالی کرده است، کمکی که از سال ۲۰۰۳ افزایش یافته است. اما بر مبنای قیمت سال 2003، فقط بین سالهای 1949-2003، اسرائیل 140 میلیارد دلار کمک نظامی دریافت کرده که از سال 2003 افزایش یافته است.

تعهد پایه سالانه کمک نظامی به اسرائیل 3.1 میلیارد دلار است، که این رقم بسیار فراتر از مقدار داده شده به هر کشور دیگر در جهان است. این رقم کمتر از میزان واقعی است چرا که انواع تخصیص های تکمیلی و دیگر مزایای انحصاری اعطا شده به اسرائیل را نشان نمی دهد. در واقع دولت آمریکا در حال پرداخت یارانه به تجاوزات اسرائیل بوده و قوانین کمکهای نظامی آمریکا را نادیده گرفته است، قوانینی که اعطای چنین کمکی را به کشورهای دیگر که در حال دفاع از خود نبوده و نیز مطابق با قوانین بین الملل رفتار نمی کنند ممنوع ساخته است. دولت اوباما حتی کمک به اسرائیل را به شیوه های اختصاصی گوناگون افزایش داده است. اخیراً کنگره آمریکا ۲۲۵ میلیون دلار اضافی برای توسعه سیستم تسلیحات دفاعی گنبد آهنین اختصاص داد.

سنای آمریکا حتی مصوبه ای به تصویب رساند که براساس آن اگر اسرائیل در آینده برخلاف قوانین بین الملل به تأسیسات هسته ای ایران حمله کند، آمریکا موظف به کمک به اسرائیل خواهد بود. این مصوبه تأکید می کند که "اگر دولت اسرائیل ناگزیر شود در مقام دفاع مشروع از خود در مقابله با برنامه تسلیحات هسته ای ایران دست به اقدام نظامی بزند، دولت ایالات متحده در کنار اسرائیل خواهد ایستاد و مطابق قوانین ایالات متحده و مسئولیت کنگره که برآمده از قانون اساسی است اجازه استفاده از قوای نظامی و حمایت های دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی برای دولت اسرائیل را در دفاع از سرزمین، مردم و حق وجود خود فراهم خواهد ساخت".

البته عبارت "دفاع مشروع" به معنای هرگونه اقدام اسرائیل که ادعا شود دفاعی ست، صرف نظر از همخوانی آن با قوانین بین الملل که چنین ادعاهایی را محدود به موارد پاسخ به حملات مسلحانه قبلی می کند (مقاله 51 منشور سازمان ملل).

تقریباً هر قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل که به انتقاد از اسرائیل یا محکوم کردن آن به دلیل اقداماتش علیه فلسطینی ها بپردازد با وتوی آمریکا روبرو می شود. آمریکا با تصویب هر مصوبه ای علیه اسرائیل در هر نهادی - از جمله شورای حقوق بشر سازمان ملل - مخالفت کرده و می کند. این حتی شامل تلاش هایی در راستای ایجاد کمیته های تحقیق در مورد بررسی صحت اتهامات جنایات جنگی علیه اسرائیل نیز می شود. زمانی که دولت اسرائیل به مردم بی دفاع فلسطین حمله می کند، دولت آمریکا آن را تحت عنوان "حق دفاع از خود" توجیه کرده، مانع تماس برای آتش بس فوری شده، تجاوز اسرائیل را با کمک مادی و دیپلماتیک تسهیل نیز می کند.

وقتی گزارش جنایات جنگی اسرائیل در غزه در سال 2009-2008 در شورای حقوق بشر سازمان ملل به تصویب رسید، آمریکا با مداخله در کار دبیر کل، مانع از اجرائی شدن گزارش در رابطه با مسئولیت پذیری اسرائیل برای جنایات جنگی شد. همچنین، ایالات متحده با استفاده از اهرم های خود حتی اجازه نداد

تا گزارش در شورای امنیت سازمان ملل مطرح شود. در تجاوز کنونی هم که شورا تصویب کرد به جنایات جنگی اسرائیل رسیدگی شود، تنها رأی مخالف آن آمریکا بود.

عفو بین الملل براساس شواهد موجود، گزارشی از حملات برنامه ریزی شده اسرائیل به مدارس و بیمارستان های غزه در جنگ کنونی داده است، این تاسیسات همچنان شامل مکان های متعلق به سازمان ملل با لوگوی سازمان ملل نیز می شود که به عنوان سر پناه برای غیرنظامیان در حال فرار از حملات اسرائیل استفاده می شد.

دیده بان حقوق بشر از تیراندازی ارتش اسرائیل به فلسطینیان در حال فرار از خانه های خود، پس از دستور فرار ارتش اسرائیل، سخن گفته و آن را جنایت جنگی به شمار آورده است.

فهم این الگوی سیاست آمریکا در قبال اسرائیل تنها با در نظر گرفتن لابی قوی ایپیک به نمایندگی از اسرائیل ممکن است. جیمی کارتر و مری رابینسون - رئیس جمهور سابق ایرلند و نیز رئیس سابق شورای حقوق بشر سازمان ملل- این یکجانبه گرایی آمریکا در قبال اسرائیل و حماس را محکوم کرده و تاکید کرده اند که به عنوان اولین گام، اسرائیل فوراً و بدون قید و شرط به محاصره غزه پایان دهد و اجازه دهد که ساکنان رنجور غزه بالاخره برخی از صور زندگی عادی را به خود ببینند.

پیامدها

سیاست آمریکا در قبال اسرائیل عواقب وخیمی در پی دارد:

الف- این سیاست به طور کامل ادعای ایالات متحده را در راستای عمل به عنوان یک میانجی بی طرف بین فلسطین و اسرائیل نفی می کند.

ب- نفرت از آمریکا- نه تنها به دلیل حمایت کورکورانه از اسرائیل، نیز به دلیل حمله نظامی به افغانستان، عراق، لیبی، و حملات هواپیماهای بدون سرنشین به پاکستان، یمن، سومالی، و غیره به شدت افزایش یافته است.

مطابق نظرسنجی پیو که قبل از حمله اسرائیل به غزه صورت گرفته ، 85 درصد مصری ها، 85 درصد اردنی ها، 73 درصد ترکیه ای ها، 66 درصد فلسطینی ها، نظر نامطلوبی به آمریکا دارند، در حالی که 84 درصد اسرائیلی ها نظر مثبتی به آمریکا دارند.

پ- آنچه اسرائیل در منطقه با حمایت آمریکا انجام داده است تا حد زیادی به رشد افراط گرایی و تنش در سرتاسر خاورمیانه کمک کرده است. اگر این گونه سیاست ها تغییر نکنند، هرج و مرج بیشتر، خشونت، نسل کشی، خونریزی و ویرانی به احتمال زیاد در آینده پدیدار می شود.

ت- خاورمیانه برای دهه ها بی ثبات بوده است؛ عواقب بی ثباتی روبه افزایش به دیگر مناطق کشیده شده، صلح جهانی را به خطر خواهد انداخت.

سیاست حمایت بی قید و شرط آمریکا از اسرائیل از سالیان دور به زیان منافع ملی آمریکا بوده است. نزاع اسرائیل و فلسطینیان مادر نزاع های منطقه خاورمیانه است. اسرائیل با تمامی تلاش ها برای پیدا کردن راه حل مسالمت آمیز دیپلماتیک مخالفت ورزیده است. اسرائیل طرح عرب ۲۰۰۲ و نیز [نقشه راه پیشنهادی توسط گروه چهارجانبه](#) امریکا، روسیه، اتحادیه اروپا و سازمان ملل که اسرائیل را ملزم به عقب نشینی به مرزهای قبل از جنگ ۱۹۶۷ می کرد را رد کرده است. این امر [عقب نشینی به مرزهای قبل از جنگ 1967] پیش شرطی برای صلح است و اسرائیل ملزم است که انجامش دهد، امری که مورد حمایت مداوم سازمان ملل و افکار عمومی جهانی ست و نیز در قطعنامه قریب به اتفاق ۲۴۲ شورای امنیت در سال ۱۹۶۷ مطرح و همواره مورد تاکید مجدد قرار گرفته است. باید درک کرد که پایان دادن به اشغال قلمروهای فلسطینی به خودی خود برای رسیدن به صلحی پایدار کافی نیست. در این رابطه، باید ترتیبی اتخاذ شود جهت تأیید حقوق چندین میلیون پناهنده فلسطینی که در سال 1948 به طرز چشمگیری به زور از اسرائیل اخراج شدند، فاجعه ای که فلسطینی ها از آن به عنوان نکبت یاد می کنند.

از سال ۲۰۱۴ پرسش هایی در این زمینه مطرح است که آیا طرح دو- دولت به منزله ابزاری در راستای حق تعیین سرنوشت فلسطینی ها و اساس صلحی عادلانه و پایدار همچنان قابلیت اجرا دارد یا نه (با این فرض که تا کنون اجرایی پذیر بوده). پرسش تعیین سرنوشت فلسطینیان به عنوان پایه ای مناسب برای صلحی عادلانه و پایدار پیش از هر زمان دیگر، در سال ۲۰۱۴ مطرح است. توسعه طلبی اسرائیل توافق بین المللی طرح دو- دولت را تا کنون در سیطره طوفانی سهمگین و تاریک قرار داده است. هم اکنون جامعه بین الملل در کنار نمایندگانی از مردم فلسطین باید راه هایی جدید برای دستیابی به صلحی عادلانه برای هر دو ملت در نظر گیرند که این خود، بدون تضمین حقوق فلسطینی ها دست یافتنی نخواهد بود.

ما بر این باوریم که یک قدم اساسی در این راستا، تائید گسترده این امر است که اسرائیل به دولتی یاغی بدل شده است و بر این اساس باید اقداماتی در خور این واقعیت صورت گیرد.